

رهنمودهای تبلیغی بر اساس

# ویژگیهای نوجوانان



رضا آبیبار  
گروه کودک و نوجوان

شدن حوزه تفکر و حضور بیش تر او در اجتماع است. هدف او به نوعی «یافتن هدف برای زندگی» است؛ به این معنا که می خواهد علت و چگونگی وجود هر چیزی را بداند تا در این میان، جایگاه خود را بیابد. او درباره هر چیزی کنجکاوی می کند تا بفهمد چیست و از کجا آمده است و چه ارتباطی با وی دارد؟

شاید در نگاه نخست به نظر آید که پذیرش این گونه مفاهیم، برای نوجوان قابل درک نخواهد بود؛ ولی با مراجعه به دوران نوجوانی خویش به این مطلب خواهیم رسید که حقیقتاً

«رهنمودهای تبلیغی بر اساس ویژگیهای نوجوانان» عنوان مقاله ای است که قسمت اول آن با موضوع «گرایش و تمایل به دینداری» از نظر مبلغان و مربیان گرامی گذشت. در این شماره به محور دوم مقاله مورد نظر؛ یعنی «تمایل نوجوانان به فهم چگونگی آفرینش» می پردازیم.

## تمایل به فهم چگونگی آفرینش

یکی از مهم ترین دغدغه های نوجوانان در این مرحله از زندگی، به وجود آمدن سؤالاتی درباره جهان هستی و راز خلقت انسان است. این گرایش نوجوان، محصول گسترده تر

دادن به قلب تو کافی است.»

این نوشتار به مربیان و مبلغان عزیز کمک می‌کند تا بتوانند با استفاده از روشهای کاربردی و مطابق با روحیات و فضای نوجوانی، این قشر را در فهم چگونگی آفرینش یاری کنند؛ از این رو برای استفاده از روشها، توجه به چند نکته لازم است:

الف. چگونگی آفرینش، در برگیرنده مفاهیم گسترده‌ای، نظیر: خلقت انسان، آفرینش موجودات، خلقت کوهها و دریاها، راز کرات و حتی مسئله معاد است. سنین نوجوانی، آغاز حرکت خداشناسی و پی بردن به رموز آفرینش است. از سوی دیگر، شور، هیجان و شادابی دوران نوجوانی، مطالبی جذاب و امیدوار کننده را می‌طلبد؛ در نتیجه بهتر است، در ابتدای امر از بیان مسائلی، مانند: چگونگی مرگ، قیامت، آداب قبر و... خودداری، و این امور به صورت تدریجی یادآوری شود.

ب. طبق معمول باید در اینجا نیز،

سؤالاتی درباره خدا و چگونگی آفرینش انسان و موجودات، در ذهن ما وجود داشته است؛ هر چند ممکن است زمینه‌ای برای دریافت پاسخ آنها نداشته‌ایم.

در هر حال، آنچه توجه ما را برمی‌انگیزد، اصل وجود تمایل به فهم چگونگی آفرینش است که از همین سنین نوجوانی آغاز می‌شود. با دقت و تأمل در سیره انبیا و اولیای الهی درمی‌یابیم که آنان نیز بدین مسئله توجه داشتند و خود، زمینه‌های پرداختن به این مطلب را برای فرزندان و اطرافیان خویش فراهم می‌کردند تا از این رهگذر، راهی را در وجود فرزندان برای شناخت و رسیدن به خدا بگشایند.

- برای مثال، جناب لقمان به فرزندش فرمود: «وَاطْلُ التَّفَكُّرُ فِی مَلَکُوتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فَكْفَى بِهَذَا وَاعْظَا لِقَلْبِکَ؛<sup>۱</sup> [فرزندم!] در ملکوت (باطن و حقیقت) آسمانها و زمین و کوهها و هر چه خداوند آفریده است، بسیار بیندیش؛ زیرا همین تفکر برای پسند

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱۳، ص ۴۳۱.

لَزَيْتٍ، فَجَبَلٍ مِنْهَا صُورَةٌ ذَاتُ أَخْنَاءٍ وَوُضُوءٍ  
وَأَعْضَاءٍ وَفُضُولٍ أَحْمَدَهَا حَتَّى اسْتَمْسَكَتْ

و...؛ پس خداوند بزرگ، خاکی از  
قسمتهای گوناگون زمین، از قسمتهای  
سخت و نرم، شور و شیرین، گرد آورد؛  
آب بر آن افزود تا گلی خالص [و آماده]  
شد و با افزودن رطوبت، چسبناک شد  
که از آن اندامی شایسته و عضوهایی  
جدا و به یکدیگر پیوسته آفرید و...»

این نوع متن خوانی باید به زبان  
گفتاری و محاوره‌ای باشد. مربی در آن  
مقدمه، اوج و فرود را رعایت می‌کند.  
نوجوان باید هنگام شنیدن قضیه مورد  
نظر (موضوع) در پی ادامه آن باشد.  
پیوندهایی که هنگام بیان مطالب مرتبط  
با موضوع استفاده می‌شود باید  
مخاطب را به فهم چگونگی آفرینش  
نزدیک کند.

ب. روش ترتیبی یا فرمولی

مبلغ و مربی در این روش،  
محتوای مورد نظر را که همان  
چگونگی آفرینش است، به‌طور دقیق  
مطالعه کرده، جان کلام، یعنی  
محورهای اصلی آن را بیرون می‌آورد.  
در بعضی کتابهای روش تدریس و

زبان، فهم و درک نوجوان در نظر گرفته  
شود.

ج. سعی شود از تجربیات علمی و  
عملی مبلغان موفق استفاده شود.  
برخی از روشهای تفهیم چگونگی  
آفرینش در پی می‌آید:

۱. اشاره مستقیم به چگونگی آفرینش

زمین، آسمان، انسان و مخلوقات

بیان مطالب در روش اشاره  
مستقیم به چند صورت قابل اجرا  
است:

الف. متن خوانی

در این روش، مربی پس از مطالعه  
دقیق متن مورد نظر، نکات جذاب و  
کلیدی آن را انتخاب، و پس از منظم  
کردن، آنها را با زبان ساده و روان بیان  
می‌کند. مربی در بین تعریف کردن  
قضیه مورد نظر، می‌تواند از گره‌های  
مرتبط با موضوع و متناسب با مخاطب  
نیز استفاده کند.

اکنون قسمتهایی را از خطبه  
نخست نهج البلاغه - که می‌توان در این  
قالب ارائه کرد - می‌آوریم: «ثُمَّ جَمَعَ مِنْ  
حَزْنِ الْأَرْضِ وَسَهْلَيْهَا وَعَذْبِهَا وَسَبْخِهَا، ثَرْبَةً  
سَنَّا بِالْمَاءِ حَتَّى خَلِصَتْ وَلَاطُهَا بِالْبَلَّةِ حَتَّى

آفرینش همه مخلوقات و موجودات از ثمرات این روش است.

### توصیف مورچه در نهج البلاغه

اگر [مردم] در عظمت قدرت [خداوند] و اهمیّت نعمت او می‌اندیشیدند، به راه راست باز می‌گشتند و از آتش دوزخ می‌ترسیدند؛ ولی دلها بیمار و چشمهای بصیرت، معیوب است. آیا به مخلوقات کوچکی که خدا آفریده است، نمی‌نگرند که چگونه آفرینش آنها را دقیق و حساب شده و ترکیب آنها را متقن ساخته است؛ گوش و چشم برای آنها آفریده و استخوان و پوست آنها را مرتّب کرده است. به این مورچه نگاه کنید؛ با آن جثّه کوچک و اندام ظریف که به واسطه کوچکی به سختی دیده می‌شود. درک همه پیچیدگیهای وجود او در اندیشه نمی‌گنجد؛ چگونه روی زمین [ناهموار و پر سنگلاخ] راه می‌رود و به روزی‌اش دست می‌یابد. دانه‌ها را [از راههای دور و نزدیک] به لانه‌اش منتقل و در مکانی معین نگه می‌دارد. در فصل گرما برای سرما و

کلاسداری از این روش با عنوان «شیوه تلخیصی یا فرمول‌بندی مطالب» نیز، یاد شده است. در این روش، جملات و کلمات گزینش شده باید کوتاه، واضح و پیام اصلی موضوع باشند تا هنگام قرار گرفتن در قالب ارائه، با اندک توضیحی، بتوان نوجوان را قانع کرد.

برای آشنایی بیش‌تر مربیان با این روش، یک نمونه از فرمول چگونگی آفرینش انسان را در ذیل می‌آوریم:

● انواع خاکها + آب = گِل  
چسبناک + شکل دادن و ساختن اندام +  
دمیدن روح = انسان (خطبه اول نهج البلاغه).

### ۲. بیان شگفتیهای آفرینش از دیدگاه

#### علمی - دینی

مربی در این شیوه، شگفتیهای جهان هستی را که متناسب با روحیات مخاطبان است و برای آنان تازگی دارد، گزینش و بیان می‌کند. روایت امام صادق علیه السلام به مفضل<sup>۱</sup>، سرشار از چنین شگفتیهایی است و مربی با هنرمندی، می‌تواند آنها را ترسیم کند. هدفمند شدن آفرینش در نگاه نوجوان و تشنگی برای فهمیدن چگونگی

۱. این روایت در کتابی تحت عنوان «توحید مفضل» نجف‌علی میرزایی، قم، هجرت، چهاردهم، ۱۳۸۵ چاپ شده است.

دندان می‌گیرند و از دیوار بالا می‌برند؛ کاری که برای هیچ زورمندی امکان‌پذیر نیست.

ج. گروهی از مورچه‌ها «کشاورزی» می‌کنند. نوعی مورچه که به «چتری» معروف است، باغچه‌ای در اطراف لانه خود می‌سازد و در آن، قارچهایی کوچک می‌پروراند. این‌گونه مورچه‌های کارگر برای کمک به رشد قارچها، قطعه‌های کوچکی از انواع برگها را جدا و با خود حمل می‌کنند. در این حالت، گویی مورچه‌ها چتری بالای سر دارند و بدین ترتیب به آنها مورچه چتری می‌گویند.

د. نوعی مورچه را «سپاهی» می‌نامند. آنها مانند عشاير، کوچ می‌کنند. این گروه، حشره‌هایی درنده هستند که حتی فیله‌ها نیز مراقب‌اند که سر راه آنها قرار نگیرند؛ و گرنه به‌طور جدی آسیب می‌بینند. گروهی از این مورچه‌ها که در مناطق حازه زندگی می‌کنند، گوشت‌خوارند و هرگاه دسته جمعی به جانوری حمله کنند، به زودی او را از پای درمی‌آورند و در مدت کوتاهی،

هنگام توانایی برای روز ناتوانی، ذخیره می‌کند. روزی‌اش [از سوی خدا] تضمین شده و خوراک موافق طبعش در اختیار او قرار گرفته است و... اگر در دستگاه گوارش او و آنچه درون بدن او وجود دارد و آنچه در سر او از چشم و گوش قرار دارد، بیندیشی، شگفت‌زده خواهی شد و از فهم شگفتیهای او به زحمت خواهی افتاد و...<sup>۱</sup>

### برخی ویژگیهای مورچه در بیان

#### دانشمندان<sup>۲</sup>

الف. آینده‌نگری و مدیریتش بسیار جالب است. مورچه در تابستان با الهام درونی به فکر زمستان سخت است؛ در صورتی که چه بسا هنوز زمستان رانديده است. دانه‌های غذا را به‌طور مناسب ذخیره می‌کند؛ گاهی آنها را از لانه بیرون می‌آورد تا هوا بخورند و فاسد نشوند. گاهی نیز آنها را به دو یا چند قسمت تقسیم می‌کند تا سبز و فاسد نشوند؛ حتی نوشته‌اند دانه گشنیز را چهار قسمت می‌کند؛ زیرا اگر کم‌تر از آن باشد، سبز می‌شود و از بین می‌رود.

ب. بیش‌تر مورچه‌ها سری بزرگ و اندامی کوچک دارند و در مقایسه با جثه خود بسیار قوی هستند؛ چنان‌که دانه‌ای را با چندین برابر وزن خود بلند می‌کنند، به

۱. نهج البلاغه، ترجمه مرحوم دشتی، قم،

خوشرو، اول، ۱۳۸۱، خ ۱۸۵.

۲. ماهنامه طبوبی، ش ۶، ص ۱۵.

حرف احمد را تایید کرد و ادامه داد: «آفرین! ما هم باید مثل کوه در برابر سختیها و مشکلات زندگی، صبور و مقاوم باشیم؛ با هر حرفی نلرزیم، با هر نگاهی منحرف نشویم و...» آن روز فهمیدیم هر چیزی خدا آفریده است، حکمتی داشته است و می شود با نگاه به مخلوقات خدا به وجود صفتی پی برد.<sup>۱</sup>

مرئی باید صفات مخلوقات را - به ویژه نمونه هایی که برای نوجوانان، ملموس تر است - استخراج کند، سپس آنها را در قالبهای متنوع ارائه دهد. می تواند آنها را به یک گردش علمی ببرد و از نزدیک، صفات یک پرنده را بیان کند و تطبیق دهد، یا در کلاس به صورت نظری و با بیانی شنیدنی، آنها را تعریف کند.

دریاها، باغ و حشها، جنگلها، مرتعها، معدنها، باغهای میوه و مزرعه های کشاورزی، از جمله محیطهایی است که می توان در این زمینه از آنها استفاده کرد.

همه عضله های حیوان را می خورند و تنها اسکلتی از او بر جای می گذارند.

۳. مقایسه مخلوقات دیگر با انسان در

### چگونگی و آفرینش

اگر مرئی بتواند، ویژگیهای بایسته و هنجارهای مورد نیاز مخاطب را در قالب صفات و چگونگی آفرینش مخلوقات به او بفهماند، ضمن اینکه نوعی رفتار دینی و اخلاقی را به او آموخته، توانسته است، چگونگی آفرینش را نیز به وی بیاموزد و او را در فهم این مهم یاری دهد. اکنون به مثالی در این باره توجه بفرمایید:

علی اکبر، دانش آموزان راهنمایی را برای یک اردوی کوهنوردی به یکی از کوههای اطراف شهر برده بود. وقتی بچه ها در استراحتگاه کوه، جمع شدند، او با تعجب و شگفتی به کوه اشاره کرد. با این کار، توجه همه بچه ها جلب شد. سپس وی گفت: «این کوهها برای چیست؟ خدا! با آفریدن این کوه، می خواستی چه مطلبی را به ما بگویی؟!»

بچه ها با دقت بیش تری به کوه نگاه کردند. احمد گفت: «آقا علی اکبر، به نظرم خدا می خواسته، مقاومت و محکمی را به ما یاد بدهد.» علی اکبر،

۱. برگرفته از خاطرات شهید علی اکبر رحمانیان، مصاحبه با یکی از همزمان شهید، ۸۵/۴/۵